

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

کنار پنجره

ساعتها کنار پنجره نشسته ام
و به افق دور نظر میکنم
ساعتهای طولانی،
افق دور و طولانی

هرگاه کسی مرا ببیند
گمان میکند چیزی را گم کرده ام و گمشده ای را میپالم
این راست است،
بلی من چیزی را میپالم
من امید گمشده ام را میپالم
امیدی که سالهاست از من فرار کرده
امیدی که دیگر باز نخواهد گشت

آن طرفها پرندگانی کوچک خوشرنگ
از شاخی به شاخی میپزند و نغمه میخوانند
آنها امید دارند،
آنها امیدوارند
امید اینکه چوچه بار می آورند و آنها را میپروارند

مادری طفلش را با کوله پشتی پر از کتاب جانب مکتب میکشاند
هر دو امیدوارند، هم مادر و هم طفل

اما من به چه چیز باید امیدوار باشم؟
من امیدم را گم کرده ام
امیدم را از دست داده ام
دیگر آن به سراغم نمی آید

و این سخت ترین حالت روحی ست برای یک انسان
انسان ناامید،

انسان بدون آینده،
انسان مهاجر و انسان نافرجام

باز هم کنار پنجره و ساعات طولانی پایان ناپذیر!!!

(المان - 31 جنوری 2012)